

خط قرمز

در این شماره

مگر کرونا واقعا وجود دارد؟

آموزش مجازی یا دلخوش کنکی برای رفع تکلیف؟!؟

آیا کرونا وعده ها را نیز به تعطیلی می کشاند؟

افکاری که قرنطینه را میشکنند

کافه فیلم

نشریه ی مستقل دانشجوئی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه گیلان
معاونت فرهنگی و اجتماعی

فصل نامه ی دانشجویی الکترونیکی خط قرمز

شماره نخست، بهار سال ۱۳۹۹

مدیر مسئول و صاحب امتیاز و سردبیر تحریریه : میلاد دهقانی

فهرست

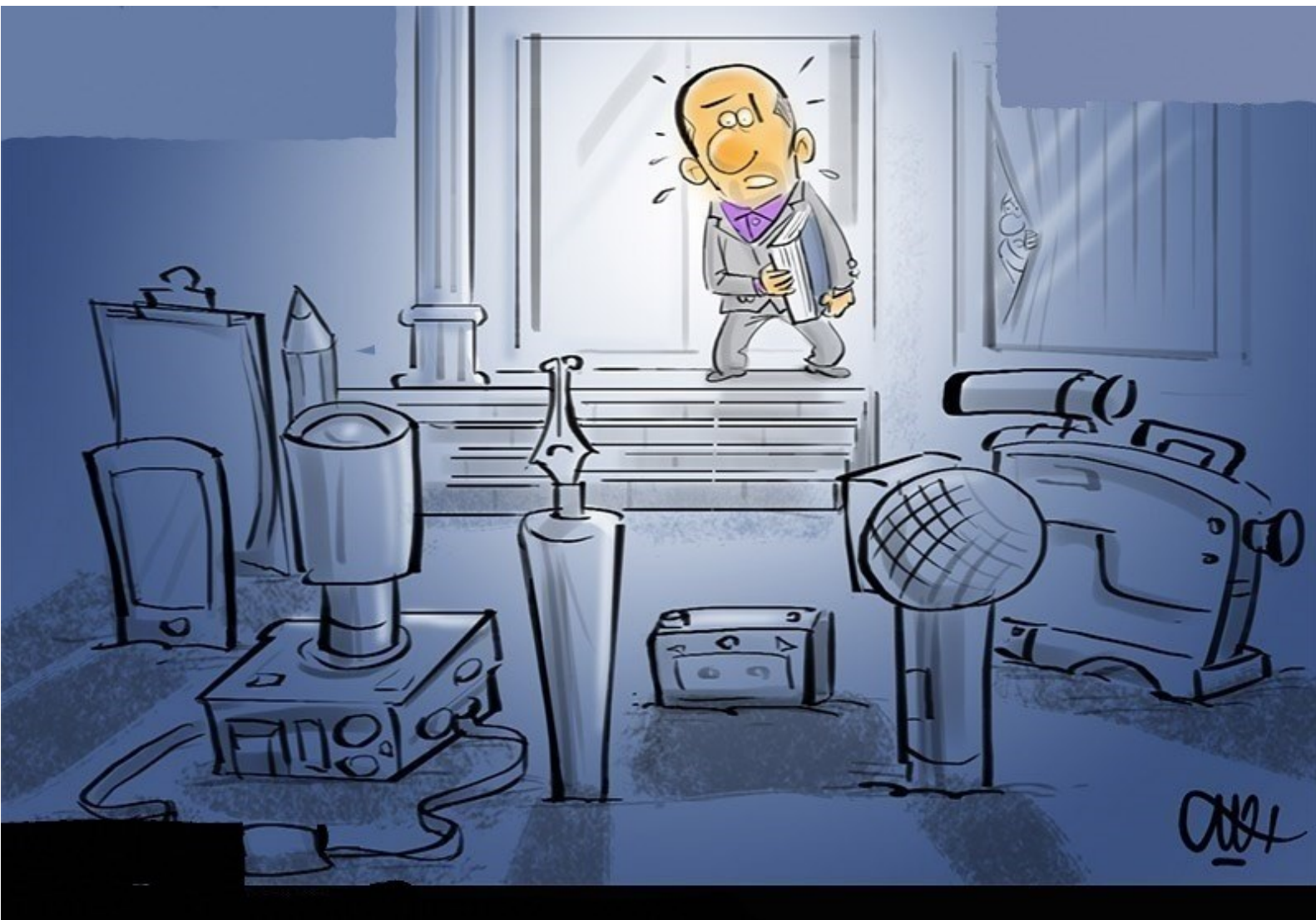
بخش صنفی

- آموزش مجازی یا دلخوش کنکی برای رفع تکلیف؟!..... ۲
- آیا کورونا وعده ها را نیز به تعطیلی می کشاند..... ۴

بخش اجتماعی و فرهنگی

- مگر کورونا واقعا وجود دارد؟..... ۶
- افکاری که قرنطینه را میشکنند..... ۷
- کافه فیلم..... ۱۰

بخش صنفی



سر مقاله : آموزش مجازی یا دلخوش کنکی برای رفع تکلیف؟!

(اندر حکایت مسائل و مشکلاتی که ویروس کرونا برای نیم سال دوم تحصیلی ۹۸-۹۹ در دانشگاه گیلان به وجود آورد)



یک جلسه کلاس حضوری از درسی برگزار نشده است که لاقلاً درس به دانشجو معرفی گردد و منابع ذکر شوند ، آموزش مجازی تا چه حد می‌خواهد موثر باشد ؟ دوما طیف کثیری از دانشجویان را دانشجویان ساکن خوابگاه تشکیل می‌دهند . دانشجویانی که بالفور مجبور شدند وسایلشان که کتاب و جزوات درسی نیز جز آنهاست در خوابگاه رها کرده به شهرهایشان بازگردند. تا امروز نیز امکان مراجعت به خوابگاه برایشان وجود نداشته است . درس خواندن حتی به صورت مجازی بدون در دست داشتن منابع درسی چگونه برای ایشان ممکن است ؟ سوما این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که سامانه برگزاری کلاس مجازی دانشگاه به حدی ضعیف است که به هیچ وجه امکان برگزاری کلاس های آنلاین مجازی برای همه گروه های درسی در آن وجود ندارد. چهارما اگر واقعا به عدالت آموزشی اعتقاد داشته باشیم حتی اگر یک دانشجو در نقطه ای از این کشور امکانات زیرساختی و یا مالی جهت اتصال به شبکه اینترنت و بهره مندی از آموزش مجازی را نداشته باشد باید سریعاً این طرح بلااستفاده از دستور کار خارج گردد. که البته تعداد اینگونه دانشجویها در دانشگاه گیلان بیشتر از یک نفر است . البته در همان اوایلی که مطرح شدن این طرح به گوش می‌رسید دانشجویان سراسر کشور با ذکر دلایل در بیانیه ای آموزش مجازی را تحریم کردند که خوب طبیعتاً مسئولین محترم حتی گوشه ای از نظر ملوکانه ی خود را متوجه آن نساختند که لابد درستش هم همین است ، اصلاً دانشجو جماعت را چه به اظهار نظر و دخالت در امورات مربوط به خودش و نظام آموزشی کشور ! اینجاست که با استدلال به موارد بالا میتوان گفت این طرح بلااستفاده بیشتر مبتنی بر شعار است تا واقعیت و به راحتی کیفیت آموزشی را فدای یک تار موی کرونا جانمان میکند.

سامانه ای برای آپلود یا کلاس مجازی؟!

همان طور که در یکی از دلایل بند پیش هم ذکر شد دانشگاه گیلان به هیچ وجه امکان برگزاری کلاس مجازی آنلاین برای همه گروه های درسی در سامانه اش را نداشته و ندارد و همین طرح پر از اشکال آموزش از طریق کلاس مجازی هم در این دانشگاه عملاً قابل اجرا نیست ! اما برای اینکه دانشگاه مذکور از قافله عقب نماند و هر طور که شده این ترم آموزشی را به نحوی سرهم بندی یا به قول معروف ماستمالی کند ، سامانه ای راه اندازی شد تحت عنوان کلاسهای مجازی آفلاین که در آن اساتید گروه های مختلف فایل های صوتی یا کلیپهای آموزشی خود را آپلود کرده و دانشجویان موظف به دانلود آنها و یادگیری دروس هستند ! از باگ های فراوان و کندی ها و مشکلات مکرر همین سامانه ی مذکور هم که بگذریم مگر میشود کلاسی یک طرفه و بدون تعامل استاد و دانشجو برگزار شود؟! مگر میشود سوالی برای هیچ یک از دانشجویان پیش نیاید و اگر هم پیش آمد نتواند آنرا

متاسفانه ویروس کرونا در زمستان سال ۹۸ مهمان ناخوانده ی کشورمان شد و انگار حالا حالا ها قصد ندارد به این مهمانی خاتمه دهد. طبعاً این ویروس دانشگاه ها که یکی از مراکز اصلی تجمع اجتماعی هستند را نیز به شدت درگیر کرد و میتوان گفت که ترم تحصیلی جاری را عملاً به طور کلی مختل نمود. حداقل در دانشگاه گیلان که عیناً شاهدش بوده ایم اینگونه شد. حالا ممکن است در این میان برخی بگویند نخیر آقا جان ؛ کجا ترم تحصیلی به طور کلی مختل شد ؟ شاید کلاس های حضوری دانشگاه تعطیل شدند اما آموزش که تعطیل نشد و از این قبیل حرفا که بیشتر در قد و قواره ی شعار هستند تا حقیقت. شعار گونه بودن این دست مطالب در ادامه ی مطلب بیشتر روشن می‌شود .

کیفیت آموزشی فدای یک تار موی کرونا جانمان

اواخر اسفند ماه بود که اولین مورد ابتلا به کرونا ویروس در ایران به طور رسمی اعلام شد ، حالا زمان واقعی ورود این ویروس چه زمانی می‌باشد الله اعلم . شنبه ی هفته بعد هم به بهانه انتخابات مجلس دانشگاه ها تعطیل شد و پس از آن هم تا به امروز به دلیل شیوع ویروس دانشگاه ها در تعطیلی به سر می‌برند. اما نکته قابل توجه اینجاست که در دانشگاه گیلان زمانی که تعطیلات مذکور شروع شد حتی یک جلسه کلاس مفید هم عملاً در ترم جاری تشکیل نشده بود ! دلپیش هم برف سنگینی بود که در استان گیلان بارید و شروع نیمسال تحصیلی را به تعویق انداخت. پس از حدود یکی دو هفته تعطیلی و رفع شدن مشکلات ناشی از برف ، تازه داشت کلاسها جان می‌گرفت که کرونا مانع از آن شد و دانشجویان به خصوص دانشجویان خوابگاهی با عجله وسایل خود را در خوابگاه رها کرده و به خانه‌هایشان بازگشتند. در ابتدا که مشخص نبود دامنه ی تعطیلات مذکور تا کی ادامه پیدا خواهد کرد امید بر آن بود که پس از عید نوروز دانشگاه بازگشایی شود و چند کلاس جبرانی هم در تابستان دایر گردد. لکن زمانی که مشخص شد کرونا سرسخت تر از این حرف هاست و فعلاً نمیشود دانشگاه ها را بازگشایی کرد ، مسائل کمی پیچیده شد . مسئولین گرامی در وزارتخانه عتف هم مثل همیشه به سادگی و مضحک ترین شکل ممکن این مسئله را رفع رجوع کردند تا برگ زرینی دیگر بر سیاهه ی نظام آموزشی این مرز و بوم بیفزایند . آن برگ زرین هم مبتنی بود بر این اصل که اصلاً نیازی به برگزاری کلاس های حضوری نیست ؛ کلاس مجازی دانشجویان را تعلیم میدهد و در آخر هم طبق برنامه امتحانات را برگزار می‌کنیم و تمام ، پرونده ی این ترم هم شکر خدا بسته شد ! یک سری شعار هم دادند که ما از تهدیدها فرصت میسازیم ، زیرساخت های مجازیمان را که قوی هست منتهی قوی تر میکنیم و پشت بندش هم تشویق و تعریف و تمجید ! ولی پشت نقاب اینگونه شعارها حقیقت امر چیز دیگری است . اولاً وقتی حتی

ها را بسته بندی کرده به جای مراجعه دانشجویان غذا ها را به درب اتاقشان برد! و یا اینکه گفته می شود فقط باید ۳۰ درصد جمعیت خوابگاه اسکان داده شود! یعنی ۷۰ درصد بقیه دانشجویان خوابگاهی یا باید در هتل ها و مسافرخانه های شهر اتاق بگیرند یا باید به آن ۳۰ درصد وکالت دهند که به جایشان به سر جلسه امتحان بروند! عملی نشدن این شرایط بهداشتی مثل روز روشن است و اگر در این مورد هم شعارگونه و سرسری عمل شود؛ به کار بردن تعبیر کشتارگاه به جای دانشگاه زیاد تمسخرآمیز و دور از ذهن نیست. البته بد نیست یادآوری کنیم که اگر سلامت و جان دانشجویان پیشیزی برای این سیستم آموزشی ارزش ندارد، لاقط حضرات به فکر سلامتی اساتید و مسئولان دانشگاهی باشند زیرا که این ویروس استاد و دانشجو، مسئول و غیر مسئول نمی شناسد و میتواند فاجعه ای فراگیر را برای همه اقشار رقم بزند. برای نمونه میتوان به استان های خوزستان، لرستان و فارس اشاره کرد که با اندکی سهل انگاری و عادی جلوه دادن شرایط دوباره اوضاع مراکز درمانی در این استان ها بحرانی شدند. حال اگر حتی فقط یک نفر از دانشجویان ناقل باشد و در فضای خوابگاه یا دانشگاه حضور بهم رساند با توجه به امکانات بهداشتی و بیمارستانی در استان گیلان که گاهی کفاف مردم بومی استان را هم نمیدهد قطعاً شاهد فاجعه ای دردناک خواهیم بود.



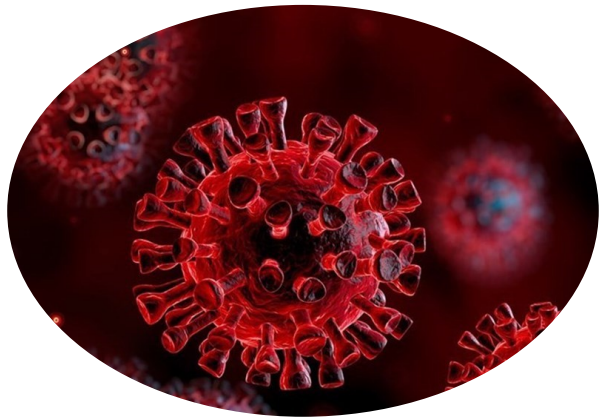
از استادش بپرسد؟! مگر میشود صرف گوش دادن یا دیدن یک سری فایل های صوتی یا تصویری بدون برگزاری حتی یک جلسه کلاس حضوری کل دروس یک ترم تحصیلی را یاد گرفت و سپس آنها را امتحان نیز داد؟! این قبیل سوالات موضوعاتی هستند که مسئولان دانشگاهی هیچ توجهی به آنها نکرده و نمی کنند یا شاید هم اصلاً دوست ندارند که توجهی بکنند. یک سوی دیگر ماجرا هزینه های هنگفتی است که دانلود این فایل های پر حجم روی دست دانشجویان گذاشته و شاید دانشجویی واقعا شرایط تامین مالی این هزینه ها را نداشته باشد. البته داشت یادم می رفت؛ عدالت آموزشی و کیفیت آموزش گویا الی الابد در این سیستم کم اهمیت ترین موارد مغفول مانده هستند

بلا تکلیفی انسان را سردرگم و منفعل میکند

دانشجویان دانشگاه گیلان از ابتدای ترم تحصیلی جاری که با تاخیر شروع شد و مشکلات مختلف، این استان و سپس کشور را دربرگرفت تا به امروز که هنوز نحوه و زمان برگزاری امتحانات مشخص نشده است؛ در یک بلا تکلیفی گسترده به سربرده و میبرد. طبیعتاً این بلا تکلیفی نیز بسیاری را منفعل کرده و انگیزه ی درسی را به شدت کاهش می دهد. لکن مسئولین دانشگاهی با فراخ بال آهسته آهسته مشغول شور و مشورت در مورد تعیین تکلیف نحوه سرهم بندی این نیمسال آموزشی هستند و به سوالات دانشجو پاسخ داده نمیشود که هیچ، اساتید محترم هم انتظار عملکردی طبیعی و همانند شرایط عادی در یادگیری دروس و امتحانات را از دانشجویان دارند! ای کاش این موضوع که شرایط پیش آمده برای دانشجویان یک شرایط استثنایی و تجربه نشده است و آنان هم مانند سایرین انسان هستند نه یک ماشین هوشمند خود آموز؛ اندکی مورد توجه اساتید عزیز و مسئولان محترم دانشگاه قرار می گرفت.

آیا دانشگاه تبدیل به کشتارگاه می شود!؟

اگر هم بتوان همچون مشکلات گذشته بدون هیچ گونه توجه به انتقادات و نظرات، به صورت آمرانه و تنگ نظرانه سفره ی آموزش را جمع کرد و با مطرح کردن طرح ناعادلانه و بی فایده ی آموزش مجازی بیخیال برگزاری کلاس حضوری شد؛ باز هم یک مشکل حل نشده باقی میماند و آن نحوه و زمان برگزاری امتحانات است که تا به امروز که این مطلب به رشته تقریر درمی آید هنوز به طور قطعی تعیین تکلیف نشده است اما از جریان سازی که در رسانه های رسمی جهت عادی نشان دادن اوضاع بعد از هفدهم خرداد برای بازگشایی دانشگاهها در حال انجام است، احتمال برگزاری امتحانات به صورت حضوری را بسیار قوت می بخشد. لازم به ذکر است که این جریان سازی می تواند مقدمه ی بروز فاجعه ای بزرگ باشد. بر فرض ضعیف اگر بتوان با تمهیدات فراوان میزان شیوع ویروس را در سر جلسه امتحان با فاصله گذاری فیزیکی به حداقل رساند، به هیچ وجه این امکان در سلف سرویس ها و خوابگاه های دانشجویی وجود ندارد و امری محال است. کما فی السابق هم برای دلخوش کنک و رفع تکلیف برخی پروتکل ها و شرایط بهداشتی جهت بازگشایی خوابگاه و سلف سرویس ها ارائه میشود اما هم وزارتخانه های مربوطه و هم مسئولین دانشگاه میدانند که موارد این پروتکل های ایده آل به هیچ وجه قابل اجرا در واقعیت نیستند. برای مثال ممکن نیست که بتوان در هر اتاق خوابگاه فقط یک دانشجو اسکان داد یا غذای سلف سرویس



آیا کرونا وعده ها را نیز به تعطیلی می کشاند ؟

(یادآوری وعده هایی از سوی مسئولین دانشگاه که تعطیلات پیش آمده فرصت بررسی اجرایی شدن یا نشدنشان را از دانشجویان گرفت)

همین ترم پیش یعنی نیم سال اول تحصیلی ۹۸-۹۹ بود که بالاخره دانشجویان دانشگاه گیلان توانستند با کلنجر رفتن و تلاش فراوان رییس دانشگاه و کادر اجراییش را به پای تریبون پاسخ گویی مستقیم به دانشجویان بکشانند که حاصل این رخداد به اصطلاح عظیم ، وعده های فراوانی بود که هم از سوی رییس دانشگاه و هم از سوی مسئولین بخش های مختلف دانشگاه داده شد. حال اما موعد اجرایی شدن تعدادی از آن وعده ها در ترم جاری یعنی نیم سال دوم تحصیلی ۹۸-۹۹ فرا رسیده و خوب ویروس کرونا به دلیل تعطیلات اجباری ما دانشجویان را از فیض دیدن خوش قولی مسئولان و اگر خدا بخواهد برآورده شدن برخی مطالبات ابتدایی مان پس از سالها محروم کرده است . هدف این یادداشت دانشجویی یادآوری این وعده ها نه به دانشجویان که مگر ممکن است کسی اساسی ترین نیازهایش را یادش برود ، بلکه به مسئولین دانشگاه است که خیال نکنند تعطیلات پیش آمده گرد فراموشی بر اذهان دانشجویان میپاشد و خدای نکرده خلف وعده بکنند.

جهنمی به نام خوابگاه

به نیمه های خرداد ماه که نزدیک می شویم آب و هوا در استان گیلان به شدت به سمت گرم و شرجی شدن پیش می رود و کم کم نفس کشیدن در این هوا نیز جز اعمال شاقه به حساب می آید. امتحانات نیمسال دوم هم تقریباً تا اواخر تیر ماه به درازا می انجامد . ایام امتحانات هم که خوب طبعاً سخت ترین زمان در طول ترم برای دانشجو می باشد و به دلیل نیاز به تمرکز فراوان هر ساعتش به قدر یک روز میگذرد. حال اگر شرایط این برهه زمانی ، آب و هوای شهر رشت در تابستان و اتاق هایی با ابعاد دو در سه متر که در آن ۶ نفر تنها با یک پنکه سقفی که اگر ده تایش هم بود آفاقه نمی کرد ، زندگی میکنند را کنار هم بگذارید خواهید فهمید که یک چیزی هم به مفهوم جهنم بدهکار می شویم . اگر آقایان زبانم لال بدانند نیاید و خاطر ملوکانه شان مکدر نشود میتوان با صرافت گفت به مدت چندین سال ظلم فاحشی به دانشجویان ساکن خوابگاه در دانشگاه گیلان شده است که مسلمان نشنود کافر نبیند ! حال از این حرف ها که بگذریم امسال وعده دادند و منت بر سرمان نهادند که هر اتاق از خوابگاه پسرانه میرزا کوچک و دخترانه بنت الهدی مجهز به کولرگازی میشود . البته بعداً مشخص شد صدق سر المپیاد ورزشی کشوری است که قرار بود تابستان در دانشگاه گیلان برگزار شود و دانشجوی بینوای خود دانشگاه گیلان که زیاد اهمیت ندارد ! صدق سر هر کسی که هست ، باز هم ما را امیدوار کرد که لاقلاً باقیمانده ی سنوات تحصیلی مان در دانشگاه گیلان را با خنکای کولرگازی سپری میکنیم و دانشجویان پس از ما آن جهنمی را که ما سالها تجربه کردیم ، تجربه نخواهند کرد . لکن متأسفانه ویروس کرونا فرصت تحقق این رویای شیرین را از ما گرفت و امیدواریم پس از بازگشایی دانشگاه این وعده

هنوز پابرجا باشد و بهمان این سخن شریف را تحویل ندهند که کولرهای گازی تان را لولو برد !

جلساتی که قرار بود ادامه دار باشند

در همان تریبون پرسش و پاسخ مستقیمی که در اول یادداشت خدمتتان عرض شد ، مسئولین گرام به حضار قول دادند که اینگونه جلسات ادامه دار باشد تا سیل مطالبه گری در دانشجویان نخشکد و خدای نکرده خدمات مسئولین خدوم هم نادیده و ناشنیده نماند و این جلسه پیش آمده ی تقریباً بالاجبار هم اولین و آخرین اینگونه جلسات نباشد. متأسفانه در ترم پیش که دیگر توفیق پیش نیامد اما امیدوار بودیم و هستیم که این جلسات لاقلاً هر ترمی یک بار تشکیل شوند. این ترم هم که گویا تعطیلی دانشگاه فیض مذکور را از دانشجویان سلب کرد لکن با یادآوری این وعده هدفمان این است که از سرگیری این دیدارها را از ترم بعدی در بستری توام با آرامش و توافق داشته باشیم نه خدای نکرده مانند دفعه ی قبل با کلنجر رفتن و بالاجبار .

دانشگاهی که پولی شد و پولی ماند

از ورودی سال ۱۳۹۷ به بعد بود که ناگهان دانشگاه های دولتی سطح کشور نیز به طور عجیبی به یک دستگاه پول سازی برای دولت تبدیل شدند و وزارت علوم هم عدالت آموزشی و آموزش رایگان را به مثابه ی کشکی به الک مالید. قرار بر این شد که حتی دانشجویان روزانه اگر درسی را قبول نشدند و یا حذف کردند ، در صورت اخذ دوباره ی دروس مذکور باید مبالغی را به دانشگاه بپردازند. وقتی صدای اعتراض تعداد کثیری از دانشجویان به رییس دانشگاه ، جناب دکتر رضی ، رسید ؛ ایشان در پاسخ گفتند که من مامورم و معذور . ابلاغیه از طرف وزارتخانه است . اما هنگامی که با اصرار دانشجویان رو به رو شدند ؛ حرفشان این شد که در صورت مخالفت آموزش دانشگاه با این ابلاغیه در جلساتی که با وزارتخانه دارند ، ممکن است بشود این قانون را برای دانشگاه خودمان لغو کرد . بعدش هم با صرافت وعده دادند در جلسات مذکور که موعد زمانیش در نیم سال دوم بود ، مخالفتشان را ابراز کرده خواسته دانشجویان را پیگیری کنند . این ترم را هم اگر اجرایی نشدن وعده مذکور را به پای کرونا بگذاریم ، دلیلی نمیشود که به کل سر تسلیم بر این قانون مضحک فرود آوریم و گرد فراموشی به روی وعده ی داده شده بپاشیم . امید است که لاقلاً ابلاغیه ی فوق برای دانشجویان ورودی مهرماه لغو شود و کسانی که زمانی برای تبلیغ بر طبل آموزش رایگان می کوبیدند ، حرمت نگه داشته و این وعده را نیز مانند بسیاری از وعده های دیگر زیر پای وقاحت خود له نکنند.

بخش اجتماعی و فرهنگی



مگر کرونا واقعا وجود دارد!؟

(چرایی رفتارهای غیرمسئولانه برخی از مردم در مقابل ویروس کرونا از منظر رویکردهای روانشناختی)

ترس از تغییر

شاید برایتان جالب باشد که براساس نظریات روان شناختی افرادی که نیاز مبرمی به امنیت دارند بیش تر از بقیه در مقابل تغییر ایستادگی میکنند زیرا تغییرات احساس امنیت آنها را مخدوش میکند و این در حالی است که اغلب اوقات رسیدن به امنیت و سطح اطمینان بخش جدید مستلزم تغییرات عمده در افکار و رفتار است، یعنی یک چرخه معکوس. حال اگر به حال و روز این روزهای مردم کشورمان بنگریم خواهیم دید که خوشبختانه یا شوربختانه مصادف شدن شیوع ویروس کرونا با ایام نوروز، رعایت نکات پیشگیرانه را در تناقض آشکار با بسیاری از آداب و رسوم فرهنگی و آیینی قرار داده است که تغییرات عمده ای را در الگوی رفتاری میطلبد. همچنین باید این نکته را نیز در نظر گرفت که فردگرایی در جامعه ایرانی بسیار کمتر از جوامعی نظیر جوامع غربی رواج دارد و ایرانیان بر حسب عادات از لحاظ اجتماعی به اطرافیان و اقوام خود وابسته تر هستند و این امر نیز تغییرات برای منطبق شدن با شرایط را سخت تر میکند. حال از یک سو اخبار متعدد و ایضا وحشت آور شیوع ویروس امنیت روانی فرد را نشانه میرود که مستلزم تغییرات عمده در الگوی رفتاری فرد است و از سوی دیگر شخص به دنبال حفظ امنیت روانی خود است و اینجاست که ذهن بر حسب وظیفه خود وارد عمل شده و سعی در عادی نشان دادن اوضاع به شخص جهت جلوگیری از تغییرات که فی نفسه تهدید کننده امنیت روانی هستند را دارد. تنها راه برای درمان این سیکل معکوس در کوتاه مدت و شرایط اضطراری وادار کردن اشخاص به تبعیت از تغییرات و اجبار آنان است. اینجاست که رویکردهای قهرآمیز نظیر قرنطینه لزوم می یابد و نمیتوان انتظار داشت که تنها با خواهش و تمنا شاهد رعایت صد در صدی نکات پیشگیرانه باشیم.

جدای از رعایت موارد و مسائل بهداشتی، نحوه ی رفتار های اجتماعی برخی هموطنانمان در شرایط فعلی و در مقایسه با سایر کشور ها بسیار خبر ساز شده و تیتیر های خبری متعددی را به خود اختصاص داده و در جواب چرایی اینگونه رفتار ها نظیر رفتن به سفرهای نوروزی، شلوغی بازارها و ... اغلب تحلیل های جامعه شناختی ارائه می شود. لکن از آنجایی که جامعه نمودار رفتار هر شخص و رفتار هر شخص نیز محصول مؤلفه های روانی اوست؛ میتوان با نظریاتی در علم روان شناسی به استقبال تحلیل این گونه رفتارها رفت.

درماندگی آموخته شده (learned helplessness)

اولین بار دانشمندی به نام مارتین سلیگمن این نظریه را در روانشناسی مطرح کرد که بر طبق آن افراد بر اساس تجربیات شکست های متداول قبلی کوشش را با پیشرفت مرتبط نمی دانند و رویکردی کاملاً منفعلانه اتخاذ می کنند. برای درک بهتر این موضوع باید نگاه مختصری به آزمایش معروف سلیگمن انداخت. او ابتدا به آزمودنی های خود شوک الکتریکی بدون هیچ راه پیشگیری وارد میکرد و تمام مساعی و کوشش های آزمودنی برای رهایی از شوک بی فایده بود و لاجرم باید آنرا تحمل میکرد. اما پس از چند بار تکرار آزمایش فوق، شرایط آزمایش تغییر یافت و آزمودنی ها می توانستند هنگام ارائه شوک با یک پرش ساده به قسمت دیگر قفس بروند و از آن رهایی یابند لکن در کمال تعجب مشاهده شد که همه ی آزمودنی ها بدون هیچ حرکتی و به صورت کاملاً منفعلانه درد و رنج ناشی از شوک الکتریکی را تحمل کردند. سلیگمن این فرآیند را قابل تعمیم به زندگی روزمره انسان ها نیز دانست و آنرا در بسیاری از موارد مقدمه افسردگی نیز بیان کرد. حال اگر با این دیدگاه به جریانات چندسال اخیر کشورمان بنگریم خواهیم دید که فجایع طبیعی و انسانی بسیاری رخ داده که عملاً تلاش برای رهایی از آنها تاثیرات چندانی نداشته است و اگر هم تلاشی توسط مردم صورت گرفته منجر به رنج و آزار بیشتر و حتی خلق فاجعه ای مصیبت بارتر گردیده است و شاید بتوان گفت جامعه ایرانی دچار یک افسردگی اجتماعی شده است. پس میتوان نتیجه گیری کرد که رفتارهایی از قبیل رفتن به سفرهای نوروزی و بازارهای شلوغ علی رغم همه هشدارها نه تنها نشانه شادی و مسرت نیست بلکه این آرامش حاکی از همان انفعال ناشی از تجربیات شکست های متعدد قبلی است. اما حقیقتاً فاجعه ناشی از ویروس کرونا بر خلاف فجایع ملی قبلی کاملاً قابل پیشگیری و متاثر از رفتار های مردم است. تنها کافی است که ذهن اکثریت جامعه به خودآگاهی برسد و فرآیند روانی رسیدن به این انفعال را دریابد، آنگاه خواهد فهمید که برخلاف موارد قبلی تلاش ها و رفتارهایش بسیار در رسیدن به پیشرفت که همان پیشگیری از ابتلا به این بیماری است موثر خواهد بود.



افکاری که قرنطینه را میشکنند.

(معرفی کتاب در زمینه های مختلف جهت گذران مفید دوران قرنطینه)

رخوت، سستی و یا ناامیدی را میتوان جز عوارض شایعی دانست که قرنطینه و دور افتادگی از اجتماع ناشی از کرونا و ویروس بالاجبار برای بشریت به ارمغان آورده است. به خصوص دانشجوی جماعت که هم از فضای پر جنب و جوش دانشگاهش محروم شد و هم از جمع صمیمی دوستان

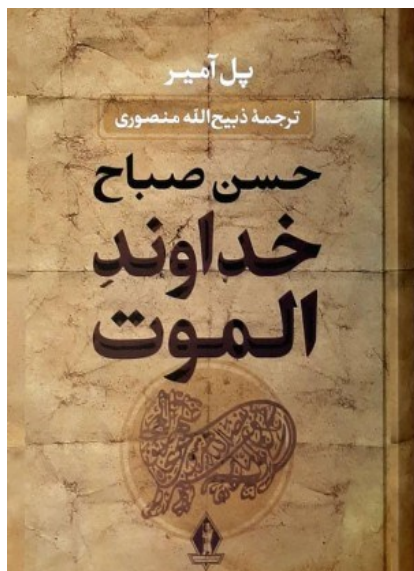
گرمابه گلستانش. اما هنوز یک نکته نوید بخش باقی مانده است. مگر نه اینکه تعبیری مثل فاصله گذاری هوشمند اجتماعی و قرنطینه و ... فقط مربوط به جسم آدمی است و افکار و تخلیص را شامل نمیشود؟ پس آدم به راحتی و بدون نگرانی از موارد بهداشتی میتواند به افکارش اجازه دهد تا قرنطینه را بشکنند و خوب طبیعتاً بهترین چیزی که فکر شخص را از دنیایی دیگر یا از فضایی به فضای دیگر میبرد کتاب است. در این فقره کتاب حتی جذاب تر و کارآمد تر از فیلم و سریال عمل میکند. چرایی اش هم که معلوم است؛ انسان وقتی کتاب میخواند هر طوری که دلش بخواهد میتواند مختصات دنیای درون متن را متصور بشود و به هر شخصیتی از کتاب جوری که لذت بخشتر باشد موجودیت و چهره و قیافه بدهد. اما در فیلم و سریال بیننده لاجرم محصور در فضا سازی و شخصیت سازی کارگردان و بازیگران آن است. پس شاید بتوان اوقات فراغت اضافه ای که در این دوران نصیبمان شده است را یک توفیق اجباری برای آشتی بیشتر با کتاب و نوشتجات دانست. به همین دلیل فکر کردم شاید بد نباشد تا تعدادی از کتاب ها در زمینه های مختلفی را که خواننده ام در این مطلب با مخاطبان به اشتراک گذارم. به این امید که اگر شخصی سراغ یکی از این کتاب ها رفت و از قضا از آن خوشش آمد و راضی بود، دعای خیری هم

خداوند الموت

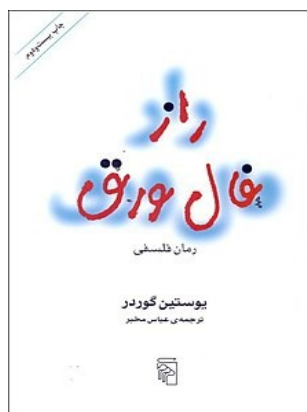
اگر علاقه مند به مطالب تاریخی هستید اما نثر خشک و سنگین تاریخ نگاری ها حوصله ی تان را سر می برد یا برایتان غیر قابل تحمل است، خواندن این کتاب را به شدت توصیه میکنم. زیرا که در این کتاب پل آمیر، نویسنده فرانسوی، در داستانی جذاب و روانگونه سرگذشت بخشی از زندگی حسن صباح و فرقه اسماعیلیه را روایت کرده است. البته بی گمان بخش اعظم این جذابیت و روانگونی مدیون ترجمه ی فوق العاده این سرگذشت به دست مرحوم ذبیح الله منصوری است. فرقه باطنیه به رهبری شیخ حسن صباح یکی از پر رمز و راز ترین فرقه های تاریخی ایران است که شایعات و افسانه های تاریخی نیز پشت سر آن زیاد است. فعالیت این فرقه به حدی تاثیر گذار بوده است که حتی واژه در مغرب زمین به معنای جانی یا آدمکش در واقع لاتین شده ی Assassin واژه حشاشین برگرفته از همین فرقه باطنیه می باشد. خواندن این کتاب بسیار در شناخت هر چه بیشتر این فرقه و تمییز بین حقایق و افسانه های تاریخی موثر و مفید است.

کالبد شکافی چهار انقلاب

این کتاب بی نظیر در واقع یک کتاب اجتماعی - تاریخی است که به بررسی چهار انقلاب بزرگ دنیا یعنی انقلاب فرانسه، روسیه، آمریکا و انگلستان پرداخته است. هدف نویسنده این کتاب یعنی پروفیسور کرین برینتون، استاد رشته تاریخ دانشگاه هاروارد و دارنده مدرک دکتری در رشته فلسفه، در واقع یافتن همسانیهایی در میان این چهار انقلاب و پیدا کردن یک الگوی قابل اعتماد برای جوامع بشری در آستانه انقلاب و پس از آن است. این کتاب در ایران پس از وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ در علوم اجتماعی محبوبیت فراوان یافت و به دست محسن ثلاثی، مترجم بنام این حوزه، نیز ترجمه شده است. دلیل این محبوبیت هم این بود که این کتاب سالها پیش از وقوع انقلاب سال ۵۷ ایران نوشته شده است، اما به طرز شگفت آوری همسانی فراوانی میان این انقلاب با مطالب و الگوی ارائه شده توسط برینتون وجود داشت به نحوی که تا حدی میشد حوادث آینده آن را نیز پیش بینی کرد

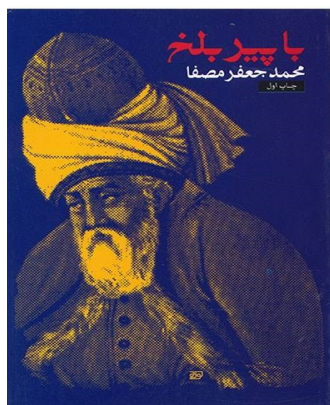


راز فال ورق



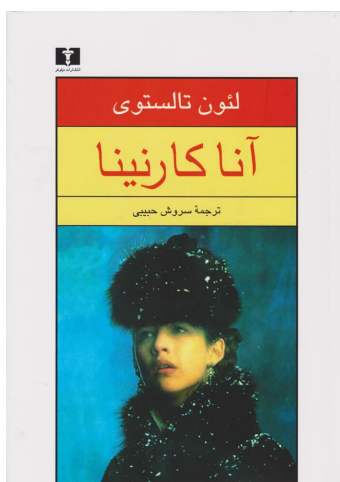
نام نویسنده ی این رمان جذاب یعنی یاستین گوردنر به دلیل نوشتن رمان معروف دیگری به نام دنیای سوفی ، با نوشتن رمان های فلسفی پیوند خورده است . در رمان راز فال ورق نویسنده مانند رمان دنیای سوفی به آموزش مستقیم مطالب فلسفی نمی پردازد . به همین دلیل هم داستان این رمان به مراتب جذاب تر و مهیج تر از داستان دنیای سوفی است . اما کماکان یاستین گوردنر ماهیت فلسفی گونه ی داستان را حفظ کرده و هدف درواقع کنایات فلسفی فراوان به زندگی بشری و شناخت آن از آفرینش است .

با پیر بلخ



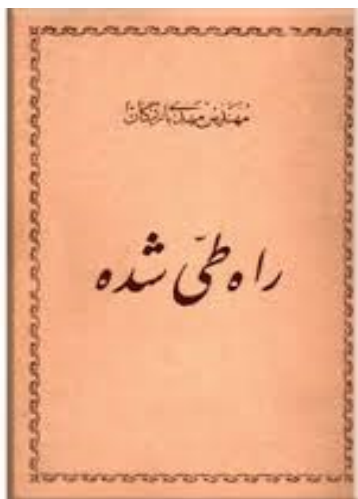
اگر علاقه مند به عرصه ی ادبیات به خصوص ادبیات عارفانه باشید لابد نام استاد تمام عیار ادبیات ایران ، دکتر محمد جعفر مصفا را شنیده اید. ایشان در تألیف کتاب با پیر بلخ کوشیده اند تا با ساده سازی کنایات و تمثیل ها و به گونه ای تفسیر برخی از داستان های مثنوی معنوی ، به کاربردهای عملی و مفید جهت رابطه انسان با خودش دست یابند . به دیگر زبان ؛ این کتاب روشن کردن کاربرد مثنوی است در خودشناسی .

آنا کارنینا



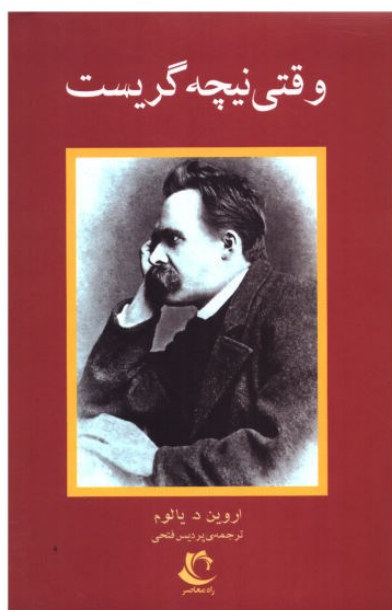
رمان هایی که نویسنده ی مشهور روسی یعنی لئو تولستوی با زمینه ی رمانتیک و عاشقانه نوشته است ، حقیقتاً حرفی را برای گفتن باقی نمی گذارند . رمان آنا کارنینا نیز یکی از همان هاست و در واقع داستان یک زن متاهل اشراف زاده در روسیه ی تزاری را روایت میکند که در سیر داستان دچار عواطف متناقضی میشود. احساساتی که مجبور است بین آنها تعادل ایجاد کرده تا سرنوشت زندگی خویش را به تباهی نکشاند. چیزی که رمان های تولستوی را منحصر به فرد میکند فضاسازی های بی نظیر او از محیط و بستری است که داستان در آن جریان دارد . فضاسازی هایی که منطبق بر تاریخ و واقعیت هم می باشند . البته فیلمی هم براساس این رمان و به همین نام در سال ۲۰۱۲ ساخته شد که متأسفانه زیاد موفق نبود و رضایت منتقدین را برنینگیخت .

راه طی شده



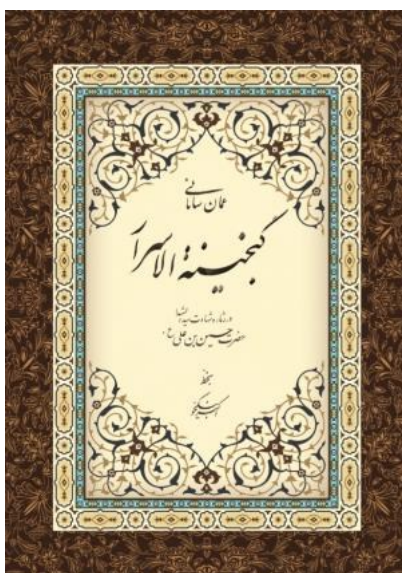
بسیاری از افراد هنگامی که از نام نویسنده کتاب یعنی مهندس مهدی بازرگان مطلع می شوند ، خیال می کنند که این کتاب موضوعی سیاسی یا تاریخی دارد . حال آنکه به هیچ وجه این چنین نیست. راه طی شده را میتوان در زمره ی آثار نواندیشی دینی با موضوع الهیات و فلسفه ادیان دسته بندی کرد. مهندس مهدی بازرگان با قلم خود که ویژگی بارزش بیان ساده ، روان و جذاب موضوعات پیچیده است ، در این کتاب بر رابطه ی علم و دین و تقابل ظاهری آنها انگشت گذاشته است . در واقع او کوشیده است با افکار غلط دو گروه ؛ یکی پوزیتیویست ها یا اثبات گرایان و دیگری روحانیت سنت گرای متعصب که هر دو علم و دین را دشمن خونین و ناقض یک دیگر دانسته یکی طرفداری علم و دیگری طرفداری دین را میکند به مقابله برخیزد. مهندس رابطه تضاد و رابطه تکاملی بین علم و دین را غلط دانسته بیان میکند که دین راستین همان حقیقت اصلی علم است. برای اثبات این موضوع هم به آیات فراوانی از قرآن استناد می شود منتهی از دیدگاههای جالب و نو که ذهن هر خواننده ای را به تحیر و تفکر وامی دارد .

وقتی نیچه گریست



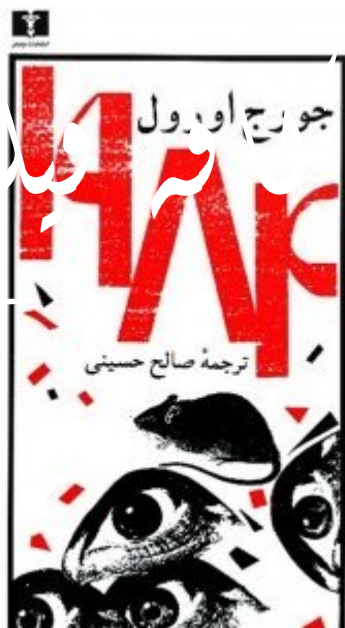
در عصر حاضر و دنیای مدرن نیاز به معنایابی زندگی و کشف خویشتن درونی انسان بیش از هر زمان دیگری احساس میشود و پیرو همین موضوع هم طرفداران کتاب های روانشناسی بسیار زیاد شده اند. اما یک مشکل در این زمینه نثر ثقیل همراه با اصطلاحات تخصصی است که به عنوان عامل بازدارنده افراد عمل میکند. اما کتاب وقتی نیچه گریست با متن رمان گونه و جذابش این معضل را به خوبی حل کرده است. اروین یالوم، روانپزشک هستی گرا و استاد دانشگاه استنفورد، در این کتاب با قلمی ساده مسائل روانشناسی و روانپزشکی و همچنین روش های روان درمانی در اواخر قرن ۱۹ را آموزش داده است. در قالب این رمان نیچه، فیلسوف آلمانی، با بروئر، پزشک اتریشی، به صورت خیالی دیدار می کند و بر هم کنش فلسفه و روانکاوی به زیبایی بیان میگردد. در جریان این داستان شخصیت های معروف و بزرگ قرن ۱۹ مانند نیچه، بروئر، فروید و ... به صورت خیالی یعنی در قالب داستان نه بر اساس رخداد واقعی با هم به گفت و گو و تعامل میپردازند.

کنجینه الاسرار



اگر طرفدار اشعار عاشقانه و عارفانه و غزل های سنتی ایرانی هستید، به هیچ وجه خواندن این کتاب را از دست ندهید. عمان سامانی، شاعر بنام عصر قاجار، با مضامین عارفانه و عاشقانه به استقبال واقعه ی کربلا رفته است. این موضوع به قدری دیدگاه تازه ای از آن واقعه را به خواننده متبادر می کند که گویی تا به حال هیچ چیزی از کربلا نخوانده و ندانسته است. عمده ی دانسته های ما از وقایع عاشورا بر پایه نقل و ذکر مصیبت است و در مقابل یک چنین رویکرد نادری که مبتنی بر تحلیل و کشف حقایق است طبعاً از ارزش بسیار پایینی برخوردار می باشد. در کنار این کشف حقایق و معنایابی، گفتار منظوم در نهایت ظرافت و زیبایی به راستی که این اثر را یک تافته جدا بافته کرده است.

رمان ۱۹۸۴



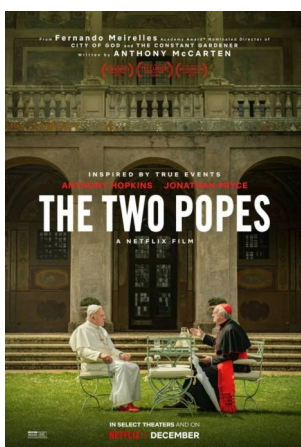
بگمانم امروزه در قشر دانشجو کمتر کسی پیدا میشود که نام این کتاب یا حداقل نام نویسنده اش یعنی جورج اورول را نشنیده باشد. وقتی که این کتاب در انگلستان منتشر شد، نویسنده اش را به عنوان استاد بی بدیل رمان نویسی در انگلستان به جامعه شناساند. یقیناً محبوبیت این اثر از اثر معروف دیگر اورول یعنی قلعه حیوانات به مراتب بیشتر است و بسیار حرفه ای تر نگارش شده است. زمینه این رمان را میتوان اجتماعی سیاسی دانست لکن مباحث انسان شناسی و روانی که اورول آنها را با ظرافت چاشنی کتاب کرده است؛ بیشتر سبب زیبایی و محبوبیت کتاب شده است. در سیر رمان شخصیت اصلی که یک کارمند حکومت به ظاهر دیکتاتوری و سوسیالیست در انگلستان است، باید با مشکلات زندگی و بیشتر با عواطف و احساسات درونی خودش کنار بیاید. اما جریان داستان به نحوی پیش میرود که در عین سادگی خواننده را سرچایش میخکوب میکند. زمانی که این کتاب برای اولین بار در سال ۱۹۴۹ منتشر شد، با توجه به نامش که به سال ۱۹۸۴ اشاره میکند؛ در واقع یک پیش بینی یا شاید هشدار به جامعه جهانی به خاطر سیر پیش گرفته شده توسط دولتها به حساب می آید.



کافه فیلم

(پیش کشیدن بحث داغ فیلمهای خارجی و پیشنهاد چند فیلم برای پر کردن اوقات فراغت در این تعطیلات اجباری)

بازار فیلم و سریال که در میان قشر جوان و دانشجوی همیشه داغ بوده و هست اما ویروس کرونا و قرنطینه ناشی از آن بر هیزم این آتش افزوده است. آتشی که اغلب والدین بدجوری با آن سر ناسازگاری دارند و آنرا بلای عظیم برای فرزندان شان میدانند. اما این تعطیلات بلند مدت اندکی از حساسیتشان کم کرده و در برخی موارد هم آنان را با فرزند جوانشان همراه کرده است. شاید اکنون نظرشان این شده باشد که این فیلمهای خارجی بدک نیستند و حرفی برای گفتن دارند. البته باید اذعان کرد که افراط در هر چیزی خطرناک و ناپسند است لکن دیدن فیلمهای آن ور آبی فی نفسه چیز بدی نیست و اغلب با داستانهای پیچیده و فلسفی گونه ای که جدیداً خیلی رایج شده، ذهن آدمی را درگیر کرده واقعا مطالب جدیدی به او می آموزد. حداقلش این است که چند ساعتی موجبات سرگرمی شخص را فراهم میکند و باعث می شود در این فضای بلا تکلیفی و ناامیدی، آن ساعات با لذت سپری شوند. به همین سبب چند موردی از فیلمهای قوی خارجی، عمدتاً هالیوودی، که به تازگی ساخته شده اند در ادامه ی نوشته به مخاطبان پیشنهاد میشود.



فیلم هالیوودی the two popes

این فیلم که در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است براساس واقعیت بوده در ژانر بیوگرافی با چاشنی کمدی و درام می باشد. امتیاز ۷/۶ از ۱۰ خود گویای قوی بودن این فیلم است. در جریان داستان فیلم؛ تقابل پاپ بندیک متعصب و سنتی با پاپ فرانسیس نواندیش به زیبایی به تصویر کشیده شده است که سرنوشت کلیسای کاتولیک به این مناقشه بستگی دارد. البته بیننده در ادامه ی ماجرا متوجه خواهد شد که هدف فیلم تنها به مذهب مسیحی کاتولیک محدود نشده و به طور کلی نحوه تقابل کلیه ادیان با دنیای مدرن منظور است. دیالوگ های فوق العاده ای که از زبان بازیگرانی چون آنتونی هاپکینز در فیلم بیان میشود، تعصب های ذهنی هر شخصی را به مبارزه میطلبد و دیدن فیلم را بسیار مفید میکند.



فیلم آمریکایی – کانادایی Bomb shell

این فیلم نیز به کارگردانی جی روچ بر اساس فیلمنامه ای از چارلز راندولف در ژانر بیوگرافی با چاشنی درام ساخته شده است. سال انتشار فیلم ۲۰۱۹ می باشد و به مشکلات زنان در دنیای کار و اقتصاد اشاره میکند. داستان فیلم براساس پشت پرده ی فعالیت های متعدد راجر ایلز، رییس هیات مدیره و مدیر عامل ارشد اجرایی فاکس نیوز است. این فیلم موفق شده است امتیاز ۶/۸ از ۱۰ را کسب کند که به نسبت امتیاز بالایی است.



فیلم هالیوودی **the Gentlemen**

این فیلم اکشن و جنایی با چاشنی کمدی در سال ۲۰۱۹ منتشر شد و توانست امتیاز بسیار بالای ۸/۱ از ۱۰ را کسب کند. تئوری مافیای بزرگ و کلان یک کشور که دست در دست سیاستمداران دارند؛ ایده اصلی بسیاری از فیلمنامه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد اما کم تر کسی توانسته است مانند گای ریچی با همکاری بازیگران بزرگی مانند متیو مک کانهای با یک داستان پیچ در پیچ و سر درگم کننده این ایده را کارگردانی کند. از طرفی میتوان این فیلم را یک فیلم گانگستری مدرن دانست که تنها به صحنات اکشن اکتفا نکرده به ماجرایش داستانی پیچیده داده است که بیننده را هر لحظه غافلگیر کرده سرچایش میخکوب میکند. در واقع داستان فیلم زندگی یکی از رهبران باندهای بزرگ تبهکاری در بریتانیا را روایت می‌کند که برای بقا خویش مجبور است با مشکلات و توطئه های متعدد دست و پنجه نرم کند.

فیلم هالیوودی **uncut Gems**

در فیلم جنایی جواهرات تراش نخورده بازیگران معروفی مانند آدام سندلر به ایفای نقش پرداخته اند که همین موضوع در کنار فیلمنامه‌ای قوی سبب کسب امتیاز بسیار بالای ۸ از ۱۰ برای آن شده است. داستان این فیلم که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد زندگی یک طلافروش کاریزماتیک با بازی سندلر را روایت میکند که همیشه به دنبال کسب موفقیت های بزرگ است اما به خاطر این موضوع مشکلات غیرقابل انتظاری برایش رخ میدهد.

فیلم هالیوودی **Bad boys for life**

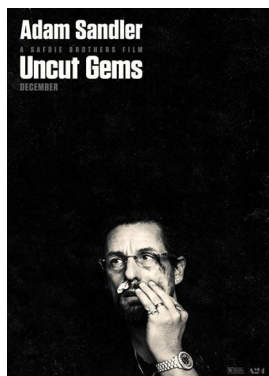
سری فیلم های پلیسی پسران بد از جمله فیلم‌هایی بودند که برای نسل جوان امروز بسیار خاطره ساز شدند. این فیلم هم در واقع قسمت سوم از این سری است که مانند قسمت های قبل در ژانر کمدی و اکشن ساخته شده است و در سال ۲۰۲۰ منتشر شد. با اینکه این قسمت به زیبایی قسمت ۱ و ۲ از آب درنیامد، با کسب امتیاز ۷/۱ از ۱۰ موفقیت بزرگی را به دست آورد. در این داستان هم دو نقش اصلی ماجرا، کما فی السابق، با بازی ویل اسمیت و مارتین لارنس در گیر یک باند مواد مخدر شده اند که در حین نقش آفرینی خنده را هم بر روی لبهای بیننده می‌نشانند.

فیلم هالیوودی **Togo**

این فیلم منتشر شده در سال ۲۰۱۹ موفق به کسب امتیاز بسیار بالای ۸/۲ از ۱۰ شد که همین موضوع اثبات کننده‌ی زیبایی آن می‌باشد. داستان این فیلم خانوادگی و ماجراجویانه روایت کننده یک سگ سورتمه ای به نام توگو است که رهبری یک گروه از سگ ها را به عهده دارد اما ماجراهای غیر منتظره ای برای او اتفاق می افتد.

فیلم هالیوودی **Knives Out**

فیلمنامه ی این فیلم جنایی شباهت زیادی به داستان های نویسنده ی معروف، آگاتا کریستی، دارد. داستانی تو در تو و پر ابهام که موفق شد امتیاز ۸/۲ از ۱۰ را برای فیلم چاقوهای بدون غلاف کسب کند. این فیلم که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد داستان مرگ مشکوک هرلان ترومبی، نویسنده معروف رمانهای جنایی، را روایت میکند که کارآگاهی خصوصی را تحریک به کشف حقایق مینماید.



فیلم هالیوودی Little Women



فیلم زنان کوچک بر اساس رمان زیبایی به همین نام به نویسندگی لویزا می الکات ساخته شده است. زیبایی این فیلم به قدری نظر بینندگان را جلب کرد که سبب کسب امتیاز ۸ از ۱۰ در سال ۲۰۱۹ گردید. بر طبق رمان؛ داستان این فیلم در مورد ماجراها و مشکلات پیش آمده برای یک خانواده بعد از وقایع جنگ داخلی آمریکا است که با ظرافت به تصویر کشیده شده است.

سریال آلمانی Dark



سال ۲۰۱۹ میزبان سریالی بود که قدرت فیلمسازی کشور آلمان را به رخ جهان کشید و بینندگان از همه جای دنیا را به تحیر واداشت. در این سریال علمی - تخیلی و ماجراجویانه با چاشنی درام؛ با یکی از مناقشه برانگیز ترین مسائل آفرینش یعنی مسئله ی زمان بازی شده است. به نحوی که هر لحظه ذهن بیننده را درگیر کرده آن را به چالش با دانسته های بنیادینش دعوت میکند. ترکیب زیبای علم فیزیک با مبانی فلسفی در این سریال به قدری جذاب از آب در آمده است که امتیاز بالای ۸ را برای سریال به ارمغان آورده است. البته تاکنون فقط دو فصل از سریال، یکی ۸ قسمتی و دیگری ۱۰ قسمتی، منتشر شده است و بینندگان را برای فصل های بعدی چشم انتظار نگه داشته است.

فیلم هالیوودی Extraction



فیلم استخراج یکی دیگر از فیلم های اکشن و درام فوق العاده ی هالیوودی است که در سال ۲۰۲۰ منتشر شد. داستان اصلی فیلم ماجرای یک مزدور بی باک در بازار سیاه را به تصویر میکشد که میخواهد پسری ربوده شده را نجات دهد اما دچار مخمصه ای مرگبار میشود. امتیاز کسب شده ی ۸/۱ از ۱۰ خود گویای زیبایی این فیلم است.

فیلم ایرانی آشغال های دوست داشتنی



در آخر دلم نیامد که مطلب را تمام کنم اما یادی از فیلم های ایرانی به جا نیاورم. به همین منظور دو فیلم ایرانی فوق العاده اما کمتر دیده شده را که در سال های اخیر منتشر شده اند خدمتان معرفی میکنم. یکی از آنها فیلم آشغال های دوست داشتنی به کارگردانی محسن امیر یوسفی است. این فیلم اجتماعی و خانوادگی در سال ۱۳۹۸ منتشر شد و تشویق منتقدین را برانگیخت. بستر فیلمنامه که در سال ۱۳۸۸ اتفاق میافتد، گرد هم آیی خیالی اعضای یک خانواده را به تصویر می کشد که هر کدام به طور نمادین نماینده ی یک ایدئولوژی اجتماعی - سیاسی در ایران است. این گفت و گو که با نقش آفرینی عالی شهاب حسینی، صابر ابر و هدیه تهرانی همراه شده است، به زیبایی هرچه بیشتر فیلم میفزاید.

فیلم ایرانی خانه کاغذی



فیلم ایرانی دیگری که پیشنهاد میشود، فیلمی بنام خانه ی کاغذی به کارگردانی مهدی صباغ زاده است که در سال ۱۳۹۷ منتشر شد. داستان انتقادی - اجتماعی و درام این فیلم روایتگر یک روزنامه نگار دگراندیش و متعهد می باشد که مدتی است دست از قلم کشیده است. اما فضای نابسامان اطرافش به او نهیب فعالیت دوباره را میزند. در این میان تناقض های موجود بین آرمان و واقعیت در مناسبات اجتماعی به خوبی توسط ایفای نقش بازیگران بزرگی چون پرویز پرستویی، تینا پاکروان و مهدی پاکدل به تصویر کشیده می شود.

دانشجویان گرامی می توانند پیشنهادات ، انتقادات و در صورت تمایل یادداشت های خود جهت انتشار در نشریه را به نشانی psy_gilan@ ارسال فرمایند.
ارادتمند شما . سردبیر گروه تحریریه ، میلاد دهقانی
به پایان آمد این دفتر ، حکایت همچنان باقی است

منتظر شماره ی بعدی فصلنامه ی خط قرمز باشید.